

بررسی و سنجش میزان تأثیر تهدیدات و عملیات روانی آمریکا بر روحیه و انسجام بسیجیان؛ یک بررسی آزمایشی

نویسنده: دکتر محمدحسین الیاسی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۷/۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۱۱/۲۱

صفحات مقاله: ۷-۲۹

چکیده

در این تحقیق به منظور سنجش میزان و دامنه تأثیر تهدیدات و عملیات روانی آمریکا، به ویژه بر سر موضوع فناوری هسته‌ای، علیه ایران گروهی به حجم ۹۸ نفر از بسیجیان چند پایگاه ناحیه شمال تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند. آنگاه آنان به صورت تصادفی در دو گروه ۵۰ و ۴۸ نفره جایگزین شدند. سپس روحیه و انسجام دو گروه با استفاده از یک مقیاس دارای پایایی بالا ($\alpha=0.82$) مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. سپس یکی از آن دو گروه (گروه آزمایش) از انواع تهدیدات اخیر آمریکا علیه ایران (تحریم اقتصادی، حمله محدود به مراکز هسته‌ای، حمله گسترده به ایران و ...) و برخی فنون و روشهای عملیات روانی آن کشور علیه نیروهای مسلح ایران آگاه شدند و از آنان خواسته شد تا در یک دوره سه ماهه تهدیدات و عملیات روانی آمریکا علیه ایران را به صورت فعال پیگیری نمایند. در حالی که به گروه دوم (گروه کنترل) هیچ اطلاعی در این زمینه داده نشد. پس از سه ماه بار دیگر روحیه و انسجام دو گروه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. داده‌های حاصل با استفاده از دو آزمون آماری تی و تحلیل واریانس و به کمک SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که عملیات روانی آمریکا بر روی بسیجیان ایران تأثیر معکوس بر جای گذاشته است.

* * * * *

کلید واژگان

عملیات روانی، تهدیدات، روحیه، انسجام، روح گروهی، مقاومت.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع).

مقدمه

لباک^۱ (۱۹۹۶)، محققى که تحقیقات فراگیری در قلمرو روحیه^۲ نظامیان و شبه‌نظامیان به سامان رسانده و مدل بدیعی را برای تبیین روحیه فرمول‌بندی^۳ نموده است، بر این باور است که در پیروزی و شکست یک ارتش روحیه بیش از هر عامل دیگری مؤثر است. او با مرور تلفات روانی^۴ نظامیان چند کشور جهان در جنگ‌های مختلف، نشان داده است که روحیه همانند سپر نیرومندی عمل می‌کند که از نیروها در برابر آتش سهمگین آتشبارها محافظت می‌کند و مانع از ابتلای آنان به سندرم^۵ (نشانگان)‌های مختلف روانی، به‌ویژه واکنش استرس نبرد^۶ و اختلال استرس پس از ضربه^۷ می‌شود. لباک استدلال می‌کند که نیروهای برخوردار از روحیه حتی در شرایط دشوار، و زیر آتش دشمن، خوش‌خلقى خود را حفظ می‌کنند، به اهداف یگان خویش وفادار می‌مانند، از فرامین و دستورات فرماندهان خویش پیروی می‌کنند و از یکدیگر مراقبت و حمایت می‌کنند.

برتون^۸ (۱۹۸۸) نیز در تلاش مستمر برای کشف اسرار نهفته در قدرت اعجازانگیز روحیه، اذعان داشته است که روحیه دربرگیرنده چند هیجان^۹ مثبت است که هر یک تأثیر انکارناپذیری در افزایش مقاومت سربازان و رزمندگان، و جلوگیری از فروپاشی روانی^{۱۰} آنان در برابر تهاجم دشمن دارد. او از جمله به هیجان‌اتی نظیر "نشاط"، غرور، و اعتماد به نفس اشاره می‌کند. به‌ویژه او تأکید می‌کند که افراد برخوردار از عزت نفس بالا و اعتماد به نفس بسنده خود را قادر

1. Labuc
2. Moral
3. Formulization
4. Mental casualties
5. Syndrom
6. Combat Stress Disorder (CSD)
7. Post Truamatic Stress Disorder (PTSD)
8. Bartone
9. Emotion
10. Mental Collapse

به مقابله کارآمد با هر دشمنی، حتی دشمنی که از حیث نفرات و فناوری نظامی بر آنان برتری دارد، می‌دانند. به باور او «این‌گونه افراد معتقدند که واجد نیرویی هستند که آنان را بر هر دشمنی غالب می‌سازد» (ص ۳۶).

چنین رویکردی مورد تأیید محققان متأخرتر قرار گرفته است. برای مثال لافین^۱ و دیگران (۲۰۰۴) در نوشتاری تحت عنوان «روحیه و عزت‌نفس»^۲ اذعان داشته‌اند که عزت‌نفس لازمه روحیه است. به باور آنان:

عزت‌نفس بالا موجب می‌شود تا افراد بر این باور ژرف برسند که از مهارت، تخصص، تجربه و قدرت کافی برای انجام تکالیف دشوار و مأموریت‌های مختلف، برخوردارند. این باور موجب افزایش نگرش مثبت^۳ آنان به خود می‌شود. نگرش مثبت نیز به نوبه خود خلق را افزایش می‌دهد و تولید نشاط می‌کند. نشاط و شادابی نیز سرانجام روحیه را افزایش می‌دهند و یا از تضعیف آن جلوگیری می‌کند (ص ۱۱).

به سبب اعتقاد به این رویکرد است که امروزه ارتش‌های دنیا فرایندهای آموزشی خود را به‌گونه‌ای طراحی و اجرا می‌کند که عزت‌نفس نیروها را افزایش دهد و اعتماد آنان به جنگ‌افزارها از یکسو و توانمندی و قدرت فرماندهی فرماندهان را از سوی دیگر افزایش دهد. (مرلو،^۴ ۲۰۰۱)

اما، استوفر^۵ (۲۰۰۴) تبیین ویژه از اثر شگرف روحیه در افزایش توان دفاعی و کاهش تلفات روانی پرسنل سازمانهای نظامی ارائه داده است. او در تبیین خود از یک رویکرد «عصب- روان‌شناختی»^۶ بهره گرفته است. به باور او روحیه بالا سطح ترشح برخی نوروترانسمیترهای مغزی، به‌ویژه آن دسته از نوروترانسمیترهای (ناقلهای عصب شیمیایی) مغز که با خلق مثبت و افزایش تحمل درد (نظیر

1. Laffin
2. Moral and Self-Esteem
3. Positive Attitude
4. Marlowe
5. Stouffer
6. Neuro Psychology

اپیون‌های مغزی) ارتباط دارند، را افزایش می‌دهد. این عوامل از طریق سازوکارهای عصبی بر غدد درون‌ریز تأثیر می‌گذارند و از آن طریق قدرت روانی و توان جسمانی فرد را فزونی می‌بخشند و مانع از گرفتار شدن او در دام علائم بالینی و هیجانات منفی می‌شوند. به همین سبب، افراد برخوردار از روحیه بالا حتی به هنگام مجروح شدن از خود شوخ‌طبعی نشان می‌دهند و درد کمتری احساس می‌کنند.

روان‌شناسان شناختی^۱ نیز تبیینی ویژه از تأثیر روحیه در استمرار مقاومت در برابر دشمن و افزایش توان و تعهد افراد در برابر مأموریت‌های محوله، به دست داده‌اند. به باور آنان، ذهن افراد برخوردار از روحیه بالا پیوسته اندیشه‌های مثبتی را "پردازش"^۲ می‌کند، از آن گذشته آنان اغلب رویکردی مثبت و خوش‌بینانه به پدیده‌ها و امور دارند. اندیشه‌های مثبت نیز بر سیستم اعصاب مرکزی تأثیر می‌گذارند و به‌زودی از طریق پیک‌های شیمیایی مغز بر اندام‌ها و جوارح تأثیر می‌گذارند و در نتیجه، توان واکنش و آمادگی برای مقابله را فزونی می‌بخشند. (استوسن،^۳ ۲۰۰۳)

آنچه گفته شد، مروری بر برخی تبیین‌های عرضه شده پیرامون پیامدهای شگرف روحیه در افزایش و استمرار دفاعی و نیروها و تقلیل آسیب‌پذیری آنها در برابر عارضه‌های روان‌شناختی شایع در قلمروهای نظامی و شبه‌نظامی بود. *اینک / این سؤال مطرح است که روحیه از چه علل و عواملی متأثر است؟*

لباک، که پیش‌تر از او سخن به میان آمد، در مدل روحیه خود، برخی عوامل مؤثر بر روحیه را مورد مذاقه و امعان‌نظر قرار داده است. به باور او سه دسته عوامل بر روحیه تأثیر می‌گذارند. آن سه‌دسته عبارتند از: سابقه فرد، ویژگی‌های روان‌شناختی و اعتقادی او و تلاش‌ها و اقدامات دشمن. او، پیشینه فرهنگی، حمایت‌های دریافتی از خانواده و یگان، موقعیت اجتماعی

1. Cognitive Psychologists
2. processing
3. Stevens

و آموزش‌های اخذ شده از یگان را در زمره عوامل دسته اول (عوامل پیشینه‌ای) قرار می‌دهد. اعتماد به یگان، عزت‌نفس، برخورداری از اندیشه‌های مثبت و تیپ شخصیتی در زمره عوامل دسته دوم (عوامل مربوط به فرد) قرار می‌گیرند. شدت حملات روانی و نظامی دشمن، نوع جنگ‌افزارهای مورد استفاده و هدف او از نبرد نیز در زمره عوامل دسته سوم (عوامل مربوط به دشمن) قرار می‌گیرند. محققانی همچون مرلو (۲۰۰۱) نیز بر نقش عواملی همچون ایدئولوژی، وجود رهبران فرهمند و میزان انسجام^۱ یگان‌ها بر روحیه نیروهای نظامی و شبه‌نظامی تأکید نموده‌اند. به‌زعم مرلو وقتی افراد یک یگان:

- به برتری تردیدناپذیر ایدئولوژی خویش یقین داشته باشند،
 - رهبران خویش را افرادی فرهمند و بی‌بدیل ارزیابی کنند،
 - و در یگان‌هایی سازمان یافته باشند که اعضای آن پیوند نیرومندی (از حیث اعتقادی، فرهنگی، زبانی و ...) با یکدیگر داشته باشند.
- در سخت‌ترین شرایط روحیه خویش را حفظ می‌کنند و در مقابله با دشمنان خویش ترسی به خود راه نمی‌دهند.

همان‌گونه که مرلو تلویحاً اشاره نموده است، بین روحیه و انسجام پیوندی وثیق وجود دارد. منظور از انسجام، مجموعه نیروهایی است که افراد را برای ماندن در یگان ترغیب می‌کند (منینگ^۲، ۱۹۹۱). یا به تعبیر روشن‌تر، زمانی که مجموعه فشارهایی که افراد را برای ماندن در یگان مجاب می‌کنند بیش از نیروهایی باشد که آنان را برای ترک یگان تحریک می‌کنند گفته می‌شود که آن یگان دارای انسجام است. (کریمی، ۱۳۸۰)

به باور منینگ (۱۹۹۱) انسجام زمانی پدید می‌آید که:

- افراد یگان دارای هدف مشترک و به آن هدف پایبند باشند،
- رابطه دوستانه و توأم با عاطفه‌ای بین پرسنل برقرار باشد،

1. Cohesion
2. Maning

- فرماندهان یگان در شرایط اضطراری، و در مواقع نیاز، از نیروهای خود حمایت کنند،
 - افراد به فرماندهان خود اعتماد داشته باشند و افراد بر این باور باشند که فرماندهان از دانش و تخصص کافی برخوردارند،
 - افراد یگان خویش را به منزله یک منبع "حمایت اجتماعی" بنگرند که از هیچ کمکی به آنان فروگذار نمی‌کند،
 - افراد یگان احساس کنند آن‌گونه با آنان برخورد می‌شود که مستحق آنند و فرماندهان از اعمال هر نوع تبعیضی اجتناب می‌ورزند.
- در چنین شرایطی افراد یگان:
- با یکدیگر دوستی می‌ورزند،
 - در شرایط دشوار از یکدیگر حمایت می‌کنند،
 - از تنش و درگیری اجتناب می‌ورزند،
 - در انجام مأموریت‌های سازمان از یکدیگر پیشی می‌گیرند،
 - و به منزله دژی مستحکم در برابر دشمن عمل می‌کنند،
- از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که:

اولاً: روحیه عامل بی‌بدیل و نیرومندی است که بر اثر عواملی همچون اعتقاد به هدف، برخورداری از یک ایدئولوژی برتر، وجود رهبران فرهمند، برخورداری از آموزش‌های مکفی، اعتماد و اطمینان به فرماندهان، اعتماد به نفس بالا و احساس رضایت از یگان به وجود می‌آید.

ثانیاً: روحیه بالا به سبب راه‌اندازی سازوکارهای شناختی مکانیسم‌های عصبی - نمودی، موجب افزایش خلق، ایجاد نشاط و افزایش عملکرد، و استمرار آمادگی برای مقابله با دشمن و کاهش آسیب‌پذیری روانی می‌شود.

ثالثاً: بین روحیه و عامل روانی دیگری تحت عنوان انسجام (و روح گروهی) پیوندی دوسویه و عمیق وجود دارد. چه، از یکسو روحیه بالا پیوند و نزدیکی افراد به یکدیگر و به فرماندهان را فزونی می‌بخشد و از سوی دیگر تمایل افراد

برای ماندن در یگان و صمیمت و اعتماد آنان به یکدیگر موجب تعالی روحیه آنان می‌شود.

به همین سبب، دشمنان یک کشور همواره می‌کوشند تا پیش از درگیری و نبرد نظامی با آن کشور و حین نبرد با آن، با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف روحیه و انسجام نیروهای نظامی، و شبه‌نظامی، آن کشور را تضعیف نمایند. یکی از مشهورترین سازوکارهای مورد استفاده کشورها، به‌ویژه در چند دهه اخیر، جهت تقلیل روحیه و فروپاشی انسجام نیروهای کشورهای هدف «عملیات روانی»^۱ است. به باور محققانی همچون فریدمن^۲ (۲۰۰۳) از جنگ ویتنام به بعد آمریکاییها همواره بیش از ملت‌ها و ارتشهای دیگر از این عامل علیه دشمنان خود بهره گرفتند.

آمریکا در عملیات روانی علیه دشمنان خود در پی آن است تا:

- انگیزش^۳ نیروهای دشمن برای تعقیب اهداف خویش را از میان بردارد،
- روحیه آن نیروها را تخریب و آنان را دچار "فلج روانی" سازد،
- نیروهای حریف را نسبت به فرماندهان و یکدیگر بدبین سازد و انسجام آنان را کاهش دهد.

- و سرانجام بر رفتار آنان تأثیر بگذارد و آنان را ترغیب به انصراف از مقاومت نماید. (دپارتمان عملیات روانی ارتش آمریکا، ۱۹۹۸)

تحلیل محتوای متون مختلف عملیات روانی آمریکا از جنگ ویتنام تا جنگ ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که آن کشور در عملیات روانی خود علیه دشمنانش از چند موضوع (تم) مشابه استفاده می‌کند. فریدمن (۲۰۰۳) برخی از آن تم‌ها را چنین برشمرده است:

- ایجاد وحشت در دشمنان. آمریکا با تبلیغ قدرت بی‌بدیل جنگ‌افزارهای خودمی‌کوشد تا نیروهای دشمن را دچار هیجان هراس سازد و بدین ترتیب

1. Psychological Operations
2. Friedman
3. Motivation

توان مقابله را از آنان بستاند؛

- ایجاد بدبینی نسبت به رهبران. دستگاه عملیات روانی آمریکا با پخش شایعاتی نظیر "خوش گذرانی رهبران"، "ساخت و پاخت آنان با سازمانهای مافیا" و جز آن، می‌کوشد تا نگرش توده‌ها و نیروهای آماج را نسبت به رهبران، خویش دستخوش تغییر سازد. چه، از این واقعیت آگاه است که بدبینی نیروها نسبت به رهبران روحیه و انسجام آنان را دچار زوال می‌سازد.
 - برجسته‌سازی قدرت، انسجام و توان اپوزیسیون. آمریکاییان هر ساله با اختصاص مبالغ قابل توجهی بودجه گروههای اپوزیسیون دشمنان خود را ترغیب می‌کنند تا با راه‌اندازی میتینگ‌ها، سمینارها، کارناوال‌ها و جز آن به مردم کشور آماج نشان دهند که آماده برعهده گرفتن اداره کشورند. دستگاه تبلیغاتی آمریکا نیز با برخورداری از هزاران روزنامه، نشریه، ایستگاه رادیویی و تلویزیونی این‌گونه اقدامات را تحت پوشش و فراگیری خبری قرار می‌دهد و بدین ترتیب به آگراندیسمان قدرت و توان گروههای اپوزیسیون می‌پردازد.
 - وعده شرایط بهتر. آمریکا با بهره‌گیری از تبلیغات "نفی و اثبات" در وهله نخست می‌کوشد تا شرایط اجتماعی و موفقیت زندگی فردی و اجتماعی مردم کشور آماج را به سبب حاکمیت نظام سیاسی موجود آنان "تیره و تار" و "تحمل‌ناپذیر" و "جهنمی" نشان دهد. سپس با وعده‌های مختلف، چنین وانمود می‌کند که با تغییر نظام سیاسی حاکم "شرایط زیست بهتری" برای همگان فراهم می‌شود، یک نظام سیاسی دموکرات اداره امور را برعهده می‌گیرد و "وضعیت حقوق بشر" بهبود می‌یابد.
- مرور عملیات روانی گسترده آمریکا پیش از تهاجم آن کشور به عراق درستی این ادعا را آشکار می‌سازد. الیاسی (۱۳۸۲) نشان داده است که آمریکا پیش و حین عملیات علیه عراق با روشهایی نظیر ایجاد ترس، تحمیل بی‌خوابی، ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به صدام، شایعه کشته شدن صدام و فریب توانست روحیه

ارتش عراق را فرو بپاشد و آن را برای مغلوب شدن زود هنگام مهیا سازد. نگارنده با بررسی محتوای رادیو فردا، رادیو آمریکا و سایت وزارت خارجه آن کشور در سه ماهه زمستان سال ۱۳۸۴، دریافت که آن کشور به صورت از پیش برنامه‌ریزی شده علیه ایران، به‌ویژه نیروهای بسیجی و سایر نیروهای مسلح، از عملیات روانی بهره می‌گیرد. در سطور زیر برخی از روشهای عملیات روانی آن کشور علیه ایران مرور می‌شوند:

- سیاه نمایی از ایران. دو رادیوی پیش‌گفته طی گزارشهای مستمری چنین وانمود می‌کنند که در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمار آسیب‌ها و جرایم اجتماعی آنقدر افزایش یافته است که بخش معتدبایی از جمعیت کشور را دربر گرفته است. شگفت آنکه عناصر و عوامل عملیات روانی آمریکا، ادعا می‌کنند که «حکومت ایران خود نقش مهمی در گسترش اعتیاد در بین جوانان ایرانی دارد».
- نقض فراگیر حقوق بشر. وزارت خارجه آمریکا طی یک گزارش مفصل ادعا نموده است که در ایران حقوق روزنامه‌نگاران، آزادیخواهان، اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی و همه مخالفان آشکارا نقض می‌شود.
- انزجار مردم از بسیجیان. رادیو فردا طی چند گزارش متوالی با بهره‌گیری از عوامل داخلی ادعا نمود که مردم ایران از بسیجیان متنفرند، آنان را دشمن خود می‌دانند و در محافل و مجالس مختلف از آنان دوری می‌گزینند.
- ادعای ناتوانی نظامی نیروهای نظامی ایران. رادیو آمریکا با مصاحبه با چند کارشناس نظامی چنین به مخاطبان ایرانی القا می‌کند که ارتش و نیروهای مسلح ایران از دستیابی به جنگ‌افزارهای نظامی محروم‌اند، جنگ‌افزارهای کنونی آنان (حتی هواپیماهای جنگنده بمب‌افکن) آنان همه فرسوده و غیرقابل استفاده‌اند. از آن گذشته یکی از کارشناسان آن رادیو ادعا کرد که «ارتش و سپاه ایران برای مقابله با ارتشهای کوچک نظیر کویت و امارات و عربستان به وجود آمده‌اند و نه برای مقابله با

ارتش قدرتمندی همچون آمریکا».

- ایجاد ترس و وحشت از ارتش آمریکا. دستگاه عملیات روانی آمریکا مدعی است که جنگ‌افزارهایی در اختیار دارد که قادر است از اقیانوس هند با دقت بسیار بالا اهدافی را در تهران مورد حمله قرار دهد. آن دستگاه همچنین در تحلیلی پیرامون "رویارویی احتمالی آمریکا با ایران" مدعی شد که قادر است نیروهای مسلح ایران را طی چند روز، و حداکثر چند هفته، متلاشی سازد.

افزون بر بهره‌گیری از فنون پیش‌گفته، آمریکا با بهانه قرار دادن "برنامه هسته‌ای ایران" عملیات روانی و تهدیدات گسترده‌ای را علیه ایران راه انداخته است. مرور محتوای برنامه‌های شبکه‌های رادیویی و اینترنتی فارسی آمریکا نشان می‌دهد که تلاش برای دستیابی به اجماع جهانی جهت تحریم اقتصادی، حمله محدود به برخی تأسیسات و در صورت لزوم حمله فراگیر به ایران از جمله مهمترین تهدیدات آن کشور هستند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در اسفند ۸۴ در تحلیلی ادعا نمود که "فشارهای آمریکا و هم‌پیمانانش به ایران، سرانجام مردم ایران را علیه حکومت خواهد شوراند و مردم ایران برای دستیابی به حکومتی که شایسته آنند! قیام خواهند کرد».

تأمل در ابعاد مختلف عملیات روانی آمریکا علیه ایران، آشکار می‌سازد که "نیروهای بسیجی" جایگاه ویژه‌ای در "سناریوی عملیات روانی آمریکا" دارند. چه، آنان بر این باورند که نیروهای بسیجی در یک نبرد نامتقارن قادرند با ارتشهای بزرگ نیز به صورت کارآمد مقابله نمایند. برای مثال یکی از کارشناسان رادیو فردا، به نام رئیسی، در مصاحبه‌ای با آن رادیو اعتراف نمود «ایران هزاران نیروی جوان بسیجی در اختیار دارد که برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضرند دست به هر کاری بزنند». آمریکاییان به‌ویژه بیم آن دارند که در نبرد احتمالی با ایران نیروهای بسیجی دست به اقدامات "استشهادی" بزنند و عرصه را بر آنان تنگ نمایند. از همین روی دستگاه عملیات روانی آمریکا می‌کوشد تا با بهره‌گیری

از فنون و روشهای مختلف عملیات روانی و افزایش دامنه تهدیدات خود روحیه و انسجام نیروهای بسیجی را فرو بپاشند و آنان را از درگیر شدن با آمریکا (در نبرد احتمالی آینده) برحذر دارند. آمریکا امیدوار است همانگونه که در عراق توانست با استفاده از عملیات روانی روحیه نیروهای مسلح عراق، و حتی فدائیان صدام و گارد ریاست جمهوری، را فروبپاشد، در ایران نیز با افزایش تهدیدات و گسترش دامنه عملیات روانی، بتواند انگیزش و روحیه نیروهای مسلح و بسیجی را تضعیف نماید و انسجام، هماهنگی و وحدت و پیوند آنان را متزلزل سازد.

اما، برخی محققان (برای مثال اسمیت^۱، ۱۹۸۵) بر این باورند که عملیات روانی گاهی ممکن است به نتایجی خلاف انتظار عاملان آن منجر شود. به باور اسمیت هنگامی که یگانهای دشمن عملیات روانی دشمن را به سخره بگیرند و به نقد و تحلیل آن بنشینند، به‌ویژه زمانی که با نقدهای خود بتوانند تناقضاتی را در پیام‌های عملیات روانی دشمن کشف کنند و برملا سازند، نه تنها روحیه آنان بر اثر آن پیام‌ها تضعیف نمی‌شود بلکه شوق و اشتیاق آنان برای مقابله با دشمن حتی فزونی می‌یابد.

موتوویدل^۲ و دیگران (۲۰۰۱)، که تحلیل‌ها و مطالعات آنان پیرامون روحیه و انسجام شهرت جهانی دارد و از سال ۱۹۷۶ مطالعات گسترده‌ای را پیرامون این دو مؤلفه به سامان رسانده‌اند، ضمن ارائه شواهدی در تأیید ادعای اسمیت، بر این باورند که بهره‌گیری طولانی‌مدت از عملیات روانی، به‌ویژه در زمان صلح، نه تنها روحیه و انسجام نیروهای دشمن را فرو نمی‌پاشد بلکه حتی ممکن است موجب تقویت آن شود. آنان در تأیید ادعای خویش استدلال می‌کنند که در زمان صلح نیروهای حریف، به‌ویژه نیروهای جوان آن، دنبال محرکهایی می‌گردند که هیجان‌طلبی و نیاز به جنگیدن را در آنان ارضا می‌کند. عملیات روانی دشمن حداقلی از این نیاز را برآورده می‌سازد. آنان همچنین ادعا کرده‌اند که عملیات روانی

1. Smith

2. Motowidlo

و تهدیدات فرصتی را در اختیار رهبران کشور آماج قرار می‌دهد تا با برجسته‌سازی خطرات دشمن انسجام مردم و نیروهای خود را افزایش دهند. چه، دشمن مشترک، به‌ویژه دشمن ددمنش و بیرحم، در کنار فعالیت مشترک، هدف مشترک و نشاط مشترک از جمله مهمترین عوامل ایجاد انسجام هستند و روحیه را تقویت می‌نمایند. از آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که گرچه کشورها و ارتشهای مختلف اغلب از تهدیدات و عملیات روانی برای تخریب روحیه و فروپاشی انسجام نیروهای حریف استفاده می‌نمایند، اما استفاده طولانی از عملیات روانی (به‌ویژه در شرایط صلح)، عدم توجه به ویژگیهای فرهنگی و ایدئولوژیکی نیروهای حریف، بهره‌گیری از عوامل نامقبول و مطرود و استفاده از پیام‌های متعارض و متناقض، ممکن است عملیات روانی را بی‌اثر سازد و یا حتی اثرات مغایری به‌بار آورد.

فرضیات تحقیق

این تحقیق در پی آن است تا فرضیات زیر را آزمون کند:

- ۱- عملیات روانی و تهدیدات مختلف آمریکا توانسته است بر روحیه بسیجیان تأثیر بگذارد.
- ۲- تهدیدات مختلف و عملیات روانی آمریکا توانسته است بر انسجام و روح گروهی نیروهای بسیجی تأثیر بگذارد.
- ۳- بین میزان تأثیر تهدیدات و عملیات روانی آمریکا بر روحیه گروههای مختلف بسیجی تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- بین میزان تأثیر عملیات روانی آمریکا بر انسجام گروههای مختلف بسیجی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

در این تحقیق از طرح آزمایشی "پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل" استفاده شد. برای این منظور از بین بسیجیان دختر و پسر منطقه شمال تهران گروهی به

حجم ۱۲۰ نفر انتخاب شدند. آنگاه آنان به صورت تصادفی به دو گروه ۶۰ نفره تقسیم شدند. روحیه و انسجام هر دو گروه اندازه‌گیری شد (پیش‌آزمون). سپس مهمترین تهدیدات آمریکا علیه ایران (خطر حمله نظامی محدود به مراکز هسته‌ای ایران، تحریم اقتصادی وسیع ایران، خطر حمله نظامی گسترده به ایران و تلاش آمریکا برای اجرای سناریویی مشابه سناریوی افغانستان و عراق علیه ایران) به اطلاع گروه اول (گروه آزمایش) رسانده شد و از آنان خواسته شد تا طی یک پروسه سه ماهه (از اول زمستان ۱۳۸۴ تا اواخر اسفندماه) با مراجعه به سایت‌های اینترنتی رادیو فردا و وزارت خارجه آمریکا و نیز با گوش دادن به اخبار و برنامه‌های رادیو فارسی صدای آمریکا و رادیو فردا، آن تهدیدات را پی‌گیری نمایند. اما، به آزمودنیهای گروه دوم (گروه کنترل) نه اطلاعاتی در زمینه تهدیدات اصلی آمریکا داده شد و نه از آنان درخواست شد که آن تهدیدات را از منابع مختلف خبری آمریکا پی‌گیری نمایند.

با سپری شدن دوره سه‌ماهه بار دیگر روحیه و انسجام آزمودنیهای دو گروه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. لیکن، پیش از آن میزان پی‌گیری تهدیدات توسط گروه اول و عدم پیگیری توسط گروه دوم، مورد پرسش قرار گرفت. نتیجه حاصل نشان داد که ۷ نفر از آزمودنیهای گروه اول از پی‌گیری فعالانه اخبار و اطلاعات منتشره پیرامون تهدیدات آمریکا اجتناب ورزیده و ۳ نفر نیز از ادامه آزمایش سرباز زده‌اند. این ۱۰ نفر ناگزیر از روند آزمایش خارج شدند و در نتیجه حجم گروه اول به ۵۰ نفر تقلیل یافت. همچنین، بررسیها نشان داد که ۱۲ نفر از آزمودنیهای گروه دوم به صورت فعال اخبار مربوط به تهدیدات آمریکا را تعقیب کرده‌اند. بنابراین آنان نیز از فرایند تحقیق حذف شدند، و در نتیجه حجم گروه کنترل نیز به ۴۸ نفر تقلیل یافت.

برای اندازه‌گیری روحیه و انسجام بسیجیان از یک مقیاس ۲۰ ماده‌ای (۱۲ ماده برای سنجش روحیه و ۸ ماده برای سنجش انسجام) استفاده شد. میزان

پایایی این مقیاس ۰/۸۶ ($\alpha=0.86$) برآورد شد.
شمای اجرای آزمایش در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱: شمای فرایند انجام آزمایش

انتخاب و جایگزینی تصادفی	پیش آزمون	اجرای متغیر مستقل (آگاه شدن از تهدیدات)	پس آزمون
گروه آزمایش	T1	X	T2
گروه کنترل	T1	—	T2

حجم آزمودنیها به تفکیک جنسیت و نوع عضویت بسیجی
حجم آزمودنیها دوگروه (حجم نهایی) به تفکیک جنسیت آنان در جدول (۲)
درج شده است:

جدول ۲: حجم آزمودنیها به تفکیک جنسیت

جنسیت	گروه آزمایش		گروه کنترل		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زن	۲۲	۴۴	۲۳	۴۸	۴۵	۴۶
مرد	۲۸	۵۶	۲۵	۵۲	۵۳	۵۴
جمع کل	۵۰	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۹۸	۱۰۰

همانگونه که داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد در مجموع ۴۶ درصد آزمودنیهای
دو گروه زن و ۵۴ درصد مرد بوده‌اند.
حجم آزمودنیهای دو گروه به تفکیک نوع عضویت آنان در جدول (۳) درج
گردیده است:

جدول ۳: حجم آزمودنیها به تفکیک نوع عضویت

نوع عضویت	گروه آزمایش		گروه کنترل		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
عادی	۲۶	۵۲	۲۱	۴۳	۴۷	۴۸
فعال	۱۵	۳۰	۱۶	۳۳	۳۱	۳۲
ویژه	۹	۱۸	۱۱	۲۴	۲۰	۱۰
جمع	۵۰	۱۰۰	۴۸	۱۰۰	۹۸	۱۰۰

همان گونه که داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد حدود نیمی از آزمودنیهای دو گروه دارای عضویت عادی بوده‌اند، در حالی که تنها ۱۰ درصد از آنان عضویت خود را "ویژه" ذکر کرده‌اند. خاطر نشان می‌سازد که بسیجیان انتخاب شده در دامنه سنی ۱۷ تا ۴۲ سال (با میانگین سنی ۲۷ سال) قرار داشتند.

یافته‌ها

در سطور زیر یافته‌های تحقیق به تفکیک فرضیات تحقیق گزارش می‌شود.

۱- تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر روحیه بسیجیان

همان گونه که گفته شد "روحیه" (متغیر وابسته) نیروهای بسیجی (هر دو گروه) پیش و پس از دوره سه ماه "آگاه شدن از عملیات روانی و تهدیدات آمریکا" (متغیر مستقل) با استفاده از یک مقیاس ۱۲ ماده‌ای ۵ درجه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

۱	۲	۳	۴	۵
خیلی کم (هیچ)	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد

حداکثر نمره‌ای که هریک از آزمودنیها در این مقیاس می‌توانست کسب کند ۶۰ و حداقل آن ۱۲ بود. میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در هر یک از دو مرحله سنجش در جدول ۴ درج شده است:

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه

در مقیاس روحیه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۴۹	۶	۵۸	۳
کنترل	۵۱	۴	۴۹	۴

همان گونه که میانگین های درج شده در جدول (۴) نشان می دهد میزان روحیه دو گروه بسیجی مورد بررسی در پیش آزمون در حد "زیاد" بوده است. لیکن این میزان پس از دوره سه ماهه اوج گیری تهدیدات آمریکا در گروه آزمایش به سطح "خیلی زیاد" فزونی یافته است در حالی که در گروه کنترل تقریباً در همان سطح زیاد باقی مانده است.

برای آزمون فرضیه اول از آزمون آماری t (t-test) استفاده شد. برای این منظور ابتدا تفاضل میانگین نمرات دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون محاسبه و در جدول زیر درج شد.

جدول ۵: تفاضل میانگین نمرات دو گروه در پیش و پس آزمون روحیه

گروه	تفاضل نمرات روحیه
آزمایش	+۹
کنترل	-۲

تفاضل میانگین های دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت، نتایج حاصل نشان داد که t محاسبه شده ($t = ۱۸/۹۲$) در سطح $P < ۰/۰۱$ بزرگتر از t استاندارد است. بنابراین فرض صفر رد می شود. از این یافته می توان نتیجه گرفت که تهدیدات و عملیات روانی آمریکا "روحیه" نیروهای بسیجی را به صورت معناداری افزایش داده است.

۲- تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر انسجام بسیجیان همان گونه که پیش تر گفته شد، برای سنجش انسجام بسیجیان از یک خرده مقیاس ۸ ماده ای استفاده شد، حداکثر نمره ای که یک آزمودنی می تواند در این خرده مقیاس کسب کند ۴۰ و حداقل آن ۸ است. میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنیهای دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون در جدول زیر درج گردیده است:

جدول ۶: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در خرده مقیاس انسجام در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۹	۵	۳۸	۴
کنترل	۳۱	۴	۳۳	۴

همان‌گونه که داده‌های درج شده در جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین انسجام دو گروه قبل از دوره آزمایش کمابیش شبیه یکدیگر است. اما، پس از دوره آزمایش میانگین گروه اول افزایش یافته است. برای آزمون فرضیه دوم تحقیق که ادعا می‌کرد «عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر انسجام بسیجیان تأثیر می‌گذارد» ابتدا تفاضل میانگین‌های دو گروه پیش و پس از آزمون محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول ۷: تفاضل میانگین انسجام دو گروه در پیش و پس از آزمون روحیه

گروه	تفاضل میانگین‌ها
آزمایش	+۹
کنترل	+۲

تفاضل میانگین‌های دو گروه با استفاده از آزمون آماری t (t-test) مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آشکار ساخت که t محاسبه شده ($t = 17/5$) در سطح $P < 0/01$ بزرگتر از t استاندارد ($t = 2/61$) است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرضیه تحقیق با احتساب خطای ۱٪ (در سطح اطمینان ۹۹٪) مورد تأیید قرار می‌گیرد. از همین روی، بر اساس این داده می‌توان نتیجه گرفت که تهدیدات و عملیات روانی آمریکا، موجب افزایش انسجام و روح گروهی بسیجیان شده است.

۳- مقایسه تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر روحیه گروه‌های مختلف بسیجی به منظور مقایسه میزان تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر روحیه بسیجیان سه گروه (بسیجیان دارای عضویت عادی، فعال و ویژه)، میانگین نمرات سه گروه (فقط سه گروهی که در گروه آزمایش قرار داشتند) در خرده مقیاس روحیه پیش و پس از دوره آزمایش محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول ۸: میانگین و انحراف معیار نمرات بسیجیان دارای عضویت‌های مختلف در خرده مقیاس روحیه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون			پس‌آزمون		
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
عادی	۲۶	۵۲	۶	۲۶	۵۶	۳
فعال	۱۵	۴۴	۷	۱۵	۵۹	۴
ویژه	۹	۵۱	۵	۹	۵۵	۲

همان‌گونه که میانگین‌های درج شده در جدول بالا نشان می‌دهد، میزان روحیه سه گروه پس از دوره آزمایش افزایش یافته است. لیکن این افزایش در گروه فعال اندکی بیش از دو گروه دیگر است. اما، آیا این تفاوت افزایش از نظر آماری معنادار است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا تفاضل نمرات سه گروه در پیش و پس‌آزمون محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول ۹: تفاضل میانگین روحیه سه نوع عضویت بسیجی در پیش و پس‌آزمون

گروه	تفاضل میانگین‌ها
عادی	۴
فعال	۵
ویژه	۴

میانگین‌های درج‌شده در جدول بالا با استفاده از آزمون آماری تحلیل و واریانس یکطرفه (آنوا) مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین میانگین سه گروه از نظر آماری تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. بنابراین، گرچه تهدیدات و عملیات روانی آمریکا روحیه گروه بسیجیان فعال را اندکی بیش از دو گروه دیگر افزایش داده است اما این افزایش از نظر آماری معنادار نیست.

۴- مقایسه تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر انسجام گروه‌های مختلف بسیجی به منظور سنجش و مقایسه میزان تأثیر عملیات روانی و تهدیدات آمریکا بر انسجام بسیجیان در هر یک از سه نوع عضویت، میانگین و انحراف معیار سه گروه در خرده مقیاس انسجام در پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول ۱۰: میانگین و انحراف معیار نمرات بسیجیان در سه نوع عضویت در خرده مقیاس انسجام در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون			پس‌آزمون		
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
عادی	۲۶	۳۰	۴	۲۶	۳۴	۳
فعال	۱۵	۲۹	۶	۱۵	۴۰	۵
ویژه	۹	۳۱	۵	۹	۳۶	۳

همان‌گونه که داده‌های جدول (۱۰) نشان می‌دهد، میزان انسجام بسیجیان هر سه گروه پس از درک بیشتر تهدیدات و عملیات روانی آمریکا علیه ایران، افزایش یافته است. لیکن میزان افزایش در گروه دوم (بسیجیان فعال) بیش از دو گروه دیگر است. اما، آیا این تفاوت افزایش از نظر آماری معنادار است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا تفاضل میانگین‌های سه گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول ۱۱: تفاضل نمرات سه گروه در خرده مقیاس انسجام در پیش و پس آزمون

گروه	تفاضل نمرات
عادی	۴
فعال	۱۱
ویژه	۵

تفاضل نمرات سه گروه با استفاده از آزمون آماری تحلیل و واریانس یکطرفه (آنوا) مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج گردیده است.

جدول ۱۲: خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه میزان تأثیر عملیات روانی آمریکا بر انسجام سه گروه بسیجی

منابع تغییر	درجات آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	F	Sig.
بین گروهها	۲	۴۲	۲۱	۵/۳۲	۰/۰۵
درون گروهها	۴۷	۱۸۶	۳/۹۵		
جمع	۴۹	۱۹۷			

همان گونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد F محاسبه شده ($F = 5/32$) در سطح $P < 0/05$ بزرگتر از F استاندارد است. بنابراین، فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود و از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که حداقل بین یک جفت از میانگین‌ها تفاوت آماری معناداری وجود دارد. اجرای آزمون تعقیبی توکی نشان داد که این تفاوت مربوط به گروه فعال با دو گروه دیگر است. به عبارت دیگر یافته‌ها نشان داد که تهدیدات آمریکا روحیه بسیجیان دارای عضویت فعال را بیش از دو گروه دیگر افزایش داده است.

نتیجه‌گیری

از هنگامی که پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح شد آمریکا فرایند عملیات روانی خود بر ضد جمهوری اسلامی ایران را، که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، افزایش داد. به‌ویژه در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۴ شمسی با شکست مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی، دامنه عملیات روانی آمریکا برای تغییر نگرش مردم ایران نسبت به نظام، شتابی بی‌سابقه یافت. تحلیل محتوای رسانه‌های فارسی آمریکا (اعم از رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اینترنتی)، که مخاطب اصلی آنها مردم و نیروهای نظامی ایران است، در ماه‌های پایانی سال ۸۴ آشکار ساخت که بخش عمده گزارش‌ها، اخبار، تحلیل‌ها و حتی برنامه‌های تفریحی آن رسانه‌ها با جهت‌گیری عملیات روانی تدارک دیده شده است. به اذعان برنامه‌ریزان و مقامات پنتاگون و نیز دستگاه تبلیغات آمریکا، عملیات روانی فراگیر آمریکا علیه ایران در پی آن است تا مردم را نسبت به مسئولان و رهبران نظام بدبین سازد، جسارت اپوزیسیون را فزونی بخشد، گروه‌های قومی را ترغیب به قیام بر ضد نظام سازد، زمینه وقوع کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز را فراهم سازد و روحیه و انسجام نیروهای مسلح را فرو بپاشد.

بررسی‌ها نشان داد که یکی از گروه‌های آماج عملیات روانی آمریکا، نیروهای بسیجی هستند. عملیات روانی آمریکا علیه این گروه در پی آن است تا روحیه و آمادگی دفاعی نیروهای بسیجی را تضعیف نماید و انسجام و اتحاد آنان را، اعم از انسجام افقی و انسجام عمودی، دچار تزلزل سازد. اما، یافته‌های این تحقیق نشان داد که تهدیدات فراگیر و عملیات روانی گسترده آمریکا، نه تنها روحیه و انسجام بسیجیان را دچار زوال نساخته است بلکه هم روحیه آنان را فزونی بخشیده است و هم انسجام آنان را نسبت به قبل بیشتر نموده است. به عبارت دیگر، یافته‌ها آشکار ساخت که عملیات روانی آمریکا نتایجی معکوس نصیب آنها ساخته است.

حال این سؤال مطرح است که چرا عملیات روانی آمریکا نتوانسته است

اهداف آنان را مبنی بر تضعیف روحیه و کاهش انسجام بسیجیان محقق سازد؟ در پاسخ به این سؤال در وهله اول می‌توان به یافته‌های اسمیت و موتویدلو و همکارانش، که در بخش مرور ادبیات این نوشتار از آن سخن به میان آمد، اشاره کرد. آن محققان نشان داده‌اند که در برخی شرایط، به‌ویژه شرایط صلح استمرار عملیات روانی، از یکسو آگاهی و بینش آماج‌ها را نسبت به دشمن افزایش می‌دهد و آنان با آگاهی بیشتر از خصومت روزافزون دشمن انسجام خود را با یگان بیشتر می‌کنند و بیش از گذشته برای رویارویی با دشمن خود را مهیا می‌سازند. از سوی دیگر، در چنین شرایط عملیات روانی، به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان، به منزله یک محرک هیجانی عمل می‌نماید که آنان را بیش از پیش تهییج و نیاز به تحریک آنان را ارضا می‌کند. به همین سبب، جنگ روانی دشمن نه تنها آنان را دچار ترس و وحشت نمی‌سازد بلکه "حس مبارزه‌طلبی" آنان را تحریک می‌نماید. از آن گذشته بسیجیان با آگاهی از اینکه ممکن است روزی با یک دشمن متکبر و برخوردار از فناوری فرامردن درگیر شوند احساس عزت‌نفس فزونتری می‌نمایند و بر خود می‌بالند که آمریکا از آنان واهمه دارد و در تعرض احتمالی به ایران آنان را در برابر خود می‌بیند.

منابع فارسی

- ۱- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲)؛ "فرایند تخریب روحیه ارتش عراق توسط آمریکا"، *مجله سیاست دفاعی*، شماره پیاپی ۴۲، صص ۳۶-۹.
- ۲- کریمی، یوسف (۱۳۸۰)؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات بعثت.

English References

- 1- Labuc, S. (1996). *Psychological Stress and Combat Efficiency*, A Review of the Literature, U.K: Cambridge Press.

2. Barton, L. (1988). *Morale, Cohesion, Combat Effectiveness*, NewYork: Greenwood Press.
3. Marlowe, D. H. (2001). *The Basic Training Process*, NewYork: Grune and Stratton.
4. Stoufer, S. A. (2004). *Morale and Mental Casualties*.
www.Psychology.ir
5. Stevsen, F. (2003). *Cognitive Processing and Mental Disorders*.
www.Psychology.ir
6. Maning, F. J. (1991). Morale, Cohesion and Esprit Corps. *Handbook of Military Psychology*. Edited by R. Gal and A. D. Mangelsdorf Published 1991 by John Wiley and Sons Ltd.
7. Fridman, H. A. (2003). Operation for IRAQ's Freedom.
<http://www.psy.op.society>.
8. U.S. Army Departement of Psychological Operations (1998). *Psychological Operation*.
9. Smith, K. R. (1985). "Understanding Morale". *Journal of Defence Force*, 52, 53-62.
10. Motowidlo, S. J. et.al.(2001). *Motivation, Morale and Military Personnel Behaviors*. www.U.S.Army.ir.

